

آسیب شناسی اجرای معاهدات انتقال محکومین به حبس در عمل و راهکارهای رفع و موانع آن

مسعود میرزایی مطلق

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (مرکزی)

چکیده

انتقال محکومان به حبس یکی از اشکال تقریباً نوین همکاری‌های قضایی محسوب می‌شود. افزایش روز افزون ارتباطات، نیاز به استفاده از این نهاد را دوجندان نموده است. کشور ایران نیز با انعقاد معاهده انتقال محکومان با کشور آذربایجان در سال ۱۳۷۸ پا به عرصه توجه به این امر نهاد. اجرای مجازات محکومین به حبس در کشوری دیگر، در ظاهر با اهداف مجازات و اصل سرزمینی بودن اجرای حکم کیفری در تعارض است. در موافقت نامه های بین المللی، طرفین توافق اختیاراتی از قبیل: امکان تبدیل و تغییر حکم را برای کشور اجراکننده در نظر م‌ بگیرند که این امر مغایر اصل حاکمیت و استقلال قضایی است. با توجه به این تعارض و مغایر آنها، اجرای حکم جزایی در قلمرو کشوری غیر از کشور محل وقوع جرم با چالش های فراوانی روبروست که مستلزم ارائه توجیه منطقی است. در حال حاضر جهانی شدن حقوق کیفری اگر چه می تواند ضرورت ای نگونه توافقات بی نالمللی و اصل درون مرزی بودن قلمرو اجرای قوانین جزایی و اهداف محلی مجازات را تا حدی توجیه کند، اما نم‌ بتواند دلیل قابل قبولی در تغییر و تبدیل ماهوی حکم قضایی توسط مرجعی غیر از مرجع صادرکننده حکم باشد. تخصیص قوانین و تحدید اصول حقوقی از طریق این توافقات و نیابت قضایی از سوی مرجع صادرکننده حکم م‌ بتواند به عنوان فلسفه وجودی این اقدامات باشد که خود مملو از نواقصی است که مستلزم بررسی بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: حبس، انتقال محبوسین، اجرای احکام کیفری، چالش

مقدمه

ابزارهای سنتی مانند استرداد مجرمین و معاضدت قضایی برای همکاری دولتها در مبارزه با جرایمی که وقوع آنها به بیش از یک دولت مرتبط میشود وجود دارد که کاملاً شناخته شده هستند. امروزه یکی از ابزارهای نوین و مدرن همکاریهای بین المللی قضایی، نهاد انتقال محکومان است. انتقال محکومان خارجی از کشوری که در آن به مجازات سالب آزادی محکوم شده اند به کشوری که تابعیت آن را دارند به تازگی در روابط میان کشورها و در اسناد بین المللی به عنوان ابزاری کاربردی در عدالت کیفری تبدیل شده است.

گسترش همکاری ها و روابط بین کشورها و تعدد جرایم در سطح بین المللی سبب پیدایش عناوین و مفاهیم جدیدی گردیده که یکی از این مباحث انتقال موردی محکومان به حبس می باشد. همانطور که از نام این نهاد پیداست فقط در مورد محکومانی اجرا می شود که مجازاتشان حبس باشد. در واقع انتقال محکومان، محکوم از کشوری که در آن به مجازات سالب آزادی محکوم شده (کشور صادرکننده حکم) به کشوری که تابعیت آن را دارد (کشور اجراکننده حکم)، انتقال می یابد. در واقع انتقال محکومان به عنوان یکی از ابزارهای معاضدت قضایی بین المللی می باشد. این شیوه توان عدالت کیفری در اصلاح بزهکار و بازگشت او به جامعه را افزایش می دهد و از آثار نامطلوب زندان بر او و خانواده اش می کاهد. در واقع در انتقال محکومان کشور متبوع فرد اعتبار احکام کیفری دادگاهی را که در آنجا به حبس محکوم شده را به رسمیت می شناسد و آن را در کشور خود اجرا می نماید و این تحولی شگرف در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی می باشد.

اجرای مجازات محکومین به حبس در کشوری دیگر، در ظاهر با اهداف مجازات و اصل سرزمینی بودن اجرای حکم کیفری در تعارض است. در موافقت نامه های بی نالمللی، طرفین توافق اختیاراتی از قبیل: امکان تبدیل و تغییر حکم را برای کشور اجراکننده در نظر می گیرند که این امر مغایر اصل حاکمیت و استقلال قضایی است. با توجه به این تعارض و مغایر آنها، اجرای حکم جزایی در قلمرو کشوری غیر از کشور محل وقوع جرم با چالش های فراوانی روبروست که مستلزم ارائه توجیه منطقی است. در حال حاضر جهانی شدن حقوق کیفری اگر چه می تواند ضرورتی ای گونه توافقات بی نالمللی و اصل درون مرزی بودن قلمرو اجرای قوانین جزایی و اهداف محلی مجازات را تا حدی توجیه کند، اما نم ی تواند دلیل قابل قبولی در تغییر و تبدیل ماهوی حکم قضایی توسط مرجعی غیر از مرجع صادرکننده حکم باشد. تخصیص قوانین و تحدید اصول حقوقی از طریق این توافقات و نیابت قضایی از سوی مرجع صادرکننده حکم م ی تواند به عنوان فلسفه وجودی این اقدامات باشد که خود مملو از نواقصی است که مستلزم بررسی بیشتر است.

با توجه به مطالب ذکر شده هدف از انتخاب این موضوع آسیب شناسی اجرای معاهدات انتقال محکومین به حبس در عمل و راهکارهای رفع و موانع آن می باشد.

۲-۱- معنا و مفهوم انتقال محکومین

۲-۱-۱- از نظر لغوی

انتقال محکومین به حبس، متضمن سه واژه مختلف است که بایستی معنی دقیق هر سه واژه تبیین گردد. انتقال در لغت به معنای جابه جا شدن و از جایی به جای دیگر رفتن است (معین، ۱۳۷۱: ۳۶۵). محکوم نیز در لغت به معنای مغلوب شده و مورد حکم قرار گرفته شده است (معین، ۱۳۷۱: ۳۹۱۹). همچنین حبس در لغت به معنای زندانی کردن و بازداشتن است (معین،

۱۳۷۱: ۱۳۳۸). در اصطلاح حبس نوعی از مجازاتهای سالب آزادی است که آزادی رفت‌وآمد فرد محکوم با نگهداری وی به طور دائم و یا موقت در مکانهایی به نام زندان از وی سلب می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). در این شکل از معاضدت جزایی بین‌المللی، که برخلاف اطلاق عنوان آن، منحصر به انتقال افراد محکوم به کیفرهای سالب آزادی است، شخصی که به دلیل ارتکاب جرمی، در دادگاههای یک کشور، محاکمه و محکوم شده است، از این کشور به کشور دیگری که محکومعلیه تابعیت آن را دارد، منتقل می‌گردد تا محکومیت خود را در آنجا سپری نماید. به منظور پرهیز از اختلاط این موضوع با موضوع استرداد محکومان، یادآور می‌شویم که در شکل اخیر، شخصی که در کشوری محکومیت یافته اما بنا به دلایلی در آنجا حضور ندارد، از کشوری که محکومعلیه در اختیار اوست به کشوری که حکم محکومیت وی را صادر نموده است، مسترد می‌گردد (خالقی، ۱۳۸۳: ۱۷). هم‌سو با نظر حقوقدانان محترم، از توجه به مفاد کنوانسیون انتقال محکومین به حبس مصوب ۱۹۸۳ استراسبورگ مشخص می‌گردد که فقط در مورد مجازاتهای سالب آزادی، و به عبارتی حکم بر محکومیت به مجازات حبس، انتقال محکومین انجام می‌گردد.

۲-۱-۲- از منظر حقوقی

جهت تبیین و شفاف سازی دقیق معنا و مفهوم این نهاد، در این قسمت ضروری است مفهوم دو اصطلاح دیگر نیز تشریح گردد تا مرز بین آنها و مفهومیان مختلط نگردد. این دو مفهوم عبارت از «استرداد مجرمین» و «اخراج» هستند. استرداد در لغت به معنای در خواست بازگرداندن، بازدهی و بازپس فرستادن آمده است. اصطلاح حقوقی استرداد نیز به معنای واژه آن نزدیک، و عبارت است از اقدام متقابلی که بر اساس آن دولت‌ها افرادی را که به علت ارتکاب جرم، تحت تعقیب مقامات قضایی دولتی قرار گرفته یا محکوم شده‌اند و به قلمرو دولت دیگر فرار کرده‌اند (موافق قواعد و شرایط خاصی) به یکدیگر مسترد می‌دارند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۳۵). در تعریف استرداد به زبان ساده‌تر می‌توان گفت: استرداد عبارت است از تسلیم یک متهم یا یک محکوم کیفری به کشوری که جرم در قلمرو آن، ارتکاب یافته و صالح به محاکمه و مجازات وی می‌باشد (عباسی، ۱۳۷۳: ۱۹).

بدیهی است نباید نهاد «استرداد مجرمین» را که نهادی قدیمی است، با این نهاد نوپا اشتباه گرفت. در قوانین استرداد مجرمین از جمله قانون راجع به استرداد مجرمین ایران مصوب ۱۳۳۹ و همین‌طور قراردادهای دوجانبه استرداد مجرمین بین دولت‌ها، صحبت از استرداد متهم یا مجرم جهت تعقیب یا تحمل مجازات بر اساس قوانین کشور متقاضی است. در این حالت دولت متقاضی استرداد، بر اساس قوانین کیفری خود، متهم مستردشده را مورد تعقیب، محاکمه و احیانا مجازات قرار خواهد داد و در مورد مجرم مستردشده هم حکم صادرشده از دادگاه داخلی خود را در مورد او اجرا خواهد کرد. بدیهی است در هر دو حالت، دولت متقاضی استرداد نهایتاً قوانین کیفری خود را اعمال کرده، حکم صادرشده از دادگاه خود را نیز اجرا خواهد کرد، در حالی که در نهاد «انتقال محکومین به حبس» صحبت از اجرای حکم مجازات صادر شده از یک دادگاه خارجی (دادگاه صادرکننده حکم) در کشور متقاضی است، حکمی که بر اساس قوانین کشور دادگاه صادرکننده حکم و توسط دادگاه آن کشور صادر شده است (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۵). از سویی دیگر در نهاد انتقال محکومین، محکوم در کشور محل ارتکاب جرم، مجازات ص ادره را متحمل می‌شود و کشور مورد تقاضا و متبوع محکوم، محل وقوع جرم نیز نیست و بر اساس هیچ یک از قواعد صلاحیتی، محق برای درخواست استرداد شخص محکوم نمی‌باشد، این در حالیست که در نهاد استرداد، کشور محل وقوع جرم، خواهان استرداد مجرم می‌باشد.

از سویی دیگر، «اخراج» در لغت به معنی بیرون کردن است (عمید، ۱۳۶۹: ۱۲۸). در اصطلاح حقوقی، بیرون انداختن یک خارجی از کشور به دلایلی چون: سابقه کیفری، ارتکاب جرم، و یا ورود غیرقانونی به کشور و نداشتن مدارک مهاجرتی یا مدارک تابعیتی در هنگامی که مقامات رسمی کشور حضور فرد را برخلاف منافع ملی تشخیص دهند، را اخراج گویند. اخراج اغلب به کشور مبدأ که شخص تابعیت آن را دارد صورت می‌گیرد (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۳) از نظر مبنایی نیز، اخراج به عمل یک‌جانبه دولت اطلاق می‌شود که فرد مجرم خارجی را از قلمرو کشور خود اخراج می‌کند، این در حالی است که استرداد مجرمین عملی است دوجانبه بین کشور فرستنده و کشور متقاضی استرداد بدین معنا که کشور متقاضی استرداد، از کشور فرستنده تقاضای استرداد وی را جهت محاکمه یا مجازات می‌نماید. فلذا از آن جهت که اخراج عمل یک‌جانبه دولت‌هاست، تنها تابع قوانین داخلی و اراده حاکمیت‌هاست. البته این قوانین و تصمیمات حاکمیتی ممکن است تحت تأثیر عرف و عادت بین‌المللی که در این خصوص وجود دارد قرار گیرند. حقوق استرداد مجرمین تابع مواردی از قبیل معاهدات بین‌المللی، قوانین داخلی کشورها، اصول کلی حقوقی، عرف بین‌المللی، شرط معامله متقابل و... است (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۴). بر این اساس استرداد رابطه بین دو دولت است و اخراج فرمان حاکمیتی یک دولت است (دل افروز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۶)

۲-۲- معنا و مفهوم حبس و زندان

۱-۲-۲- از منظر لغوی

در فرهنگ معین حبس به معنای زندانی کردن و بازداشتن آمده است. در جای دیگر حبس چنین تعریف شده است: سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود بطوری که در آن حالت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد آن را توقیف گویند نه حبس. (لنگرودی، ۱۳۷۴: ۲۰۸)

۲-۲-۲- از منظر حقوقی

از منظر حقوقی حبس یکی از انواع مجازات‌هاست که به موجب آن آزادی محکوم از وی سلب می‌شود. با اینکه این اصطلاح بارها در قوانین مختلف به کار رفته است و مجازات اکثر جرایم پیش‌بینی شده در قانون را تشکیل می‌دهد قانونگذار تعریفی از آن ارایه نداده است. (موسوی تومتری: ۲: ۱۳۸۰)

بنابراین حبس یا مجازات سالب آزادی^۱ با رویکرد کیفری در اواخر قرون وسطی و آغاز دوران نوزایش وارد زرادخانه‌های کیفری ممالک اروپایی شد و حقوق انقلاب فرانسه به ویژه قانون‌نامه‌های ۱۸۰۸ و ۱۸۰۱ ناپلیئون بدان رسمیت داد مجازاتی است که به قصد سلب آزادی فرد مورد حکم قرار می‌گیرد حقوقدانان کیفرها را از یک منظر و براساس لطمه‌های که این کیفرها به ارزشهای مورد احترام بشر یعنی جان، مال، تمامیت جسمانی و آزادی تن و جسم وارد می‌کنند به مجازات‌های سالب حیات نظیر (اعدام) مالی چون جزای نقدی، بدنی و جسمانی نظیر قطع عضو و سرانجام حبس- که آن را سالب آزادی هم نامیده‌اند- تقسیم کرده‌اند. (الوندی، ۱۳۸۲: ۴۳)

حبس دارای انواع گوناگونی است که در ادامه به اختصار به آن می‌پردازیم:

انواع حبس: عبارتند از: حبس مجرد، موقت، دایم، احتیاطی، تکدیوری و با کار. حبس ابد عبارت از حبس در مدت عمر محکوم است و در فقه حبس دایمی و حبس مخلد در همین معنی به کار رفته است. (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۲: ۴۳)

^۱ - Incarceration imprisonment, prison

حبس مجرد: عبارت است از اینکه محکوم به حبس مجرد در تمام مدت محکومیت خود در یک سلول کوچک بطور انفرادی زندانی باشد. (صلاحی، ۱۳۵۲: ۹۰)

حبس موقت: سلب آزادی محکوم در مدت معین است.

حبس احتیاطی: سلب آزادی متهم در طول محاکمه برای جلوگیری از فرار متهم و یا از بین بردن مدارک جرم توسط او یا تبانی را حبس احتیاطی گویند.

حبس تکدیوری: حبسی که باری امور خلافی مقرر شده است حبس تکدیوری نام دارد.

حبس با کار: حبسی که محکوم علیه به حبس، مجبور به انجام کارهایی که برای او معین می‌شود باشد.

یکی از مهمترین واکنش‌های رسمی و متداول در ادوار گذشته زندانی کردن مجرمان است. در گذشته‌های نه چندان دور سلب آزادی و حبس مجرمان در کشورهای غربی، شرقی و حتی قاره‌ی آسیا به مرحله پیش از محاکمه و تا تحویل متهم به دادگاه جهت رسیدگی به درستی و نادرستی اتهام وارده به آنان اختصاص داشته است و پس از آن کیفر که اغلب به شکل مجازات‌های بدنی و غیرانسانی بود اجرا گردیده است اما حبس طی دوسده‌ی اخیر به جایگاهی رسید که به عنوان مجازاتی که مدعی امنیت جامعه است و جوامع بشری را از دست مجرمانه مصون می‌دارد معرفی گردید و گذشته از آن عده‌ای بر این باور شدند که زندان وسیله‌ای برای اصلاح و درمان مجرمان است.

اگرچه زمره اصلاح زندانها از سالها پیش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اما جنبش اصلاح سیستم زندانها ا وقوع انقلاب ۱۷۹۸ فرانسه شدت بیشتری یافت و پس از آن دامنه گسترده‌تری پیدا کرد و از اروپا فراتر رفت در پی همین تحول بود که بطور کلی جهت‌گیری زندان از محل تحمیل درد به مرکز اصلاح آغاز نیز شد.

اصلاح سیستم زندانها در سده ۲۰ همچنان ادامه یافت و تحت آموزه‌های مکتب اثباتی و مکتب دفاع اجتماعی موضوع بازپروری و اصلاح زندانیان رونق یافت. این کوشش‌ها تا دهه ۱۹۷۰ میلادی بیشتر ناظر بر تکریم، رفع نواقص زندان انسانی و کارآمدتر کردن زندان و تجهیز زندان به وسایل و ابزارهای اصلاحی بود.

مطالعات جرم‌شناسان نشان می‌دهد که با تمام اصلاحاتی که در رژیم زندانهای طی دو سده گذشته صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندانها منجر شده نتایج مثبت سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است و نظریه بازپروری و اصلاح زندانیان در بسیاری از کشورها تقریباً با شکست روبرو بوده است که از این پدیده به عنوان شکست جرم‌شناسی اصلاح و درمان یا بحران در سیاست جنایی کشورها نام می‌برند.

برای خروج از این وضعیت بحرانی و خطرناک در دو زمینه اقدام صورت گرفته است: نخست جرم‌زدایی و تهدید مداخله کیفری و دوم بازاندیشی و بازنگری در نظریه مجازات و به ویژه زندان، رشته اخیر خود مشتمل بر دو طیف از فعالیتهاست. بخشی از این اقدامها ناظر به جایگزین‌های زندان و بخشی جهت اصلاح کاستی‌ها و نواقص زندان و تغییر ساختار زنان بوده است. (آشوری، ۱۳۸۲: ۷)

با توجه به اهمیت روند طی شده در این زمینه ها و با توجه به اینکه هر کشوری نسبت به شرایط مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجازات‌های خاصی را برای واکنش علیه مجرمان اتخاذ نموده است.

۳-۲- تاریخچه‌ی انتقال محکومین

با توجه به آنچه در تاریخ قانونگذاری کشور ما ثبت شده است، در تاریخ فعالیت‌های بین‌المللی در حوزه معاضدت قضایی از ابتدایی که عدلیه و دادگستری در کشورمان تأسیس شده تا سال ۱۳۷۶، در مجموع ۴ موافقت‌نامه یا قرارداد معاضدت قضایی ثبت شده است. این ۴ موافقت‌نامه عبارتند از: معاهده استرداد مجرمان و متهمان جرایم که با کشور افغانستان است (مصوب ۱۳۰۷) و بعد استرداد مقصران و تعاون قضایی در امور جزایی و تعاون قضایی که با ترکیه در سال ۱۳۱۶ منعقد شد. معاهده استرداد مقصران که در سال ۱۳۳۹ با پاکستان منعقد و آخرین قراردادی که قبل از انقلاب منعقد شد، مربوط می‌شود به قرارداد استرداد مجرمان با فرانسه که در سال ۱۳۴۲ به تصویب مجلس وقت رسیده است (دل افروز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۵). پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۹ یعنی ۲۲ سال پس از انقلاب اسلامی، تنها ۷ موافقت‌نامه به ۵ موافقت‌نامه قبلی اضافه شده است. اما از آن پس تعداد موافقت‌نامه‌ها افزایش چشمگیری داشته و گزارش شده که جمعاً ۱۱۰ عنوان قرارداد با کشورهای مختلف آماده شده است، که از میان آنها ۲۳ قرارداد مربوط به استرداد مجرمین، ۱۳ قرارداد مربوط به انتقال محکومین و ۱۸ قرارداد مربوط به معاضدت قضایی در امور مدنی و ۱۹ قرارداد معاضدت قضایی در امور کیفری است (شریح تباقری، ۱۳۹۳: ۴۲).

هم‌اکنون با ۷۵ کشور جهان سه قرارداد انتقال محکومان به حبس، استرداد مجرمین و معاضدت قضایی در امور مدنی و کیفری داریم. بحث انتقال محکومان با کشورهای آذربایجان، هند، سوریه، عراق، کویت، ترکیه، افغانستان، تایلند، اوکراین، الجزایر، ژاپن، ترکمنستان، پاکستان و ارمنستان اجرایی شده است. انتقال محکومان به حبس با ۲۲ کشور دیگر از جمله قطر، عمان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، بلغارستان، گرجستان، ازبکستان، لبنان، امارات، مالزی، اندونزی، بلاروس، فیلیپین، ایرلند، نیجریه، تانزانیا و برزیل نیز در حال انجام است. هم‌اکنون قرارداد انتقال محکومین به حبس، به کشورهای تایلند، هند، افغانستان، ژاپن، ترکمنستان، چین و قبرس و برخی از کشورها اجرایی شده است و با کشورهای قطر، عمان، لبنان، امارات، مالزی، اندونزی، تاجیکستان، فیلیپین، برزیل، ایرلند، تانزانیا و نیجریه در حال مذاکره هستیم و امیدواریم این توافقات دوجانبه با دیگر کشورها نیز انجام شود (قشقاوی، ۱۳۹۵: خبرگزاری صدا و سیما).

۴-۲- مبانی، اهداف و آثار زندان

زندان که روزگاری تاسیس آن موجب افتخار حکمرانان و جرم‌شناسان بوده است امروزه به دلیل ناموفق بودن در رسالت خویش به لحاظ افزایش بی‌رویه زندانیان با تورم جمعیت کیفری در نظام جزائی دولتها به یک بحران تبدیل شده است. پیش‌بینی و اعمال واکنش‌های متنوع کیفری در قبال رفتارهای مجرمانه اشخاص قدمتی به درازای تاریخ بشریت دارد و در این میان اجرای مجازات حبس نیز به عنوان یکی از متداولترین اهرم‌های برخورد با بزهکاران در گذر زمان همواره مدنظر قرار گرفته است. اعمال مجازات زندان به عنوان یک واکنش سالب آزادی از روش‌های معمول و رایج در بسیاری از کشورهای جهان می‌باشد تصور اینکه اعمال واکنش مجرم را اصلاح و جامعه پذیر نموده واز تکرار جرم او جلوگیری می‌کند واز سوی دیگر خصوصیت اربابی و بازدارندگی عام نیز بوده و بزهکاران بالقوه را از تکرار چنین جرائمی باز می‌دارد از مهمترین مبانی توجیه‌کننده مجازات زندان می‌باشد.

تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته نشان می‌دهد ارزیابی عملکرد زندان به عنوان محل اجرای مجازات سالب آزادی در داخل ویا در خارج از کشور مثبت نمی‌باشد اما باید پذیرفت که زندان فقط یک رسالت پیشگیرانه محدود دارد، زیرا این مکان فقط

برای مدتی بزهکار را از محیط اجتماعی دور می کند و در عوض ممکن است پیامدهای اجتماعی، روانی، جسمانی منفی بر فرد زندانی به جای گذارد، زیرا اصولاً وضعیت داخل و خارج زندان نمی گذارد تا این نهاد وظیفه اصلاحی و تربیتی اش را آنگونه که شایسته است به انجام رساند به طور کلی یکی از شاخص های سنجش میزان امنیت در کشورها، نسبت تعداد زندانیان به جمعیت کل کشور می باشد که البته با توجه به تعاریف مختلف از جرم و مصادیق آن در کشورها، این شاخص نمی تواند بیان کننده واقعیات موجود باشد به هر حال وجود عواملی چند از این قبیل و نیز مصالح کلی ایجاب می نماید تا بازنگری اساسی در طرح سیاستها و خط مشی های کلی قوه قضائیه در زمینه مسائل مربوط به تعریف جرایم و موضوعات کیفری و حقوقی و یا حتی فراتر از آن در حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی اعمال گردد.

یقیناً ارائه راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندانها بایستی با در نظر داشتن شرایط محیطی و ویژگیهای فرهنگی حاکم بر جامعه و مقتضیات زمان و دیدی جامع و همه جانبه صورت گیرد در غیر این صورت نه تنها نتیجه ای عاید نخواهد شد بلکه توجه صرف به این مسئله ونادیده گرفتن عوامل مؤثر در این فرایند، ممکن است اثرات زیانباری را به همراه داشته باشد. ضمن اینکه لازم است از هرگونه اقدام سطحی و مقطعی در این خصوص پرهیزنموده و به طور ریشه ای و اصولی به حل این مسئله پرداخته شود.

۱-۴-۲- مبنا و ضرورت حبس به عنوان مجازات

در هر نظام محدودسازی کیفری باید به کارکرد ضروری حبس توجه نمود:

مبانی و کارکرد

تعیین مرزهای میان محدودیت و آزادی و استقلالی که یک فرد در جامعه حق ابراز آن را دارد نخستین کارکرد حبس به شمار می رود. این حد فاصل پیام اجتماعی مهمی را در بر دارد و نفوذ و تسلط دولت بر فرد و مرزهای قدرت دولت را نشان می دهد. دولت در برابر حبس افراد مسئولیت دارد. به همین دلیل است که فرار کردن یک زندانی جزو شدیدترین تخلفات شغلی کارکنان زندان محسوب می شود. جالب توجه آن است که این کارکرد حبس از زمان بوجود آمدن زندان تاکنون تغییر چندانی نکرده مگر زمانی که تجهیزات امنیتی بسیار پیشرفته به وجود آمده اند. (همان)

۱-۴-۲-۱- کارکرد اصلاحی

بسیاری از جوامع کارکرد اصلاحی حبس را کارکردی بسیار مهم دانسته حبس را وسیله ای برای بازپروری مجرمان و در نهایت بازگرداندن آنها به زندگی عادی می دانند. این کارکرد بطور مستقیم از حبس نتیجه می شود زیرا که هر شخص مجرمی پس از مدتی کوتاه یا طولانی بالاخره از زندان آزاد می گردد. پیمان نامه هایی نظیر معاهده اروپایی منع شکنجه در مورد چگونگی رسیدن به این هدف اصلاحی راهبردهایی ارائه می دهند با این همه کارکرد اصلاحی نیز مسایل و مشکلات ویژه خود را دارد. یا آنکه مشروعیت زندان تا حد زیادی به میزان دستیابی به این هدف بستگی دارد. از قرن نوزدهم این کارکرد اصلاحی به مناظره های بی پایانی در مورد امکان درمان یا بازپروری موثر و ایجاد محیطی بازدارنده منجر شده است. از آنجا که جمعیت زندان را بطور عمده افرادی تشکیل می دهند که از سطح سواد پایینی برخوردار بوده یا طیفی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و

شخصی و نیز مشکلات مربوط به انواع مختلف اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کنند بدین جهت اقدامهایی که در این راستا صورت می‌گیرد باید با وضعیت این گروه‌های محروم آسیب‌پذیر مناسب باشد. (همان)

۱-۴-۲- کارکرد کنترل‌کننده

نظارت و کنترل از محیط زندان را باید کارکردی بسیار جدی تلقی کرد چراکه سازمان‌دهی صحیح و اصولی در یک مکان که جمعی در آن گرد هم می‌آیند خصوصاً اگر این جمع افراد زندانی باشند بسیار حساس است. این سازماندهی شامل برقراری یک رابطه نظارتی میان کارکنان زندان و زندانیان است.

طبیعی است که برای اجرای موثر وظایف ضروری روزمره در چنین مکانی باید بین هر دو گروه مجرم و نگهبان، رابطه‌ای متقابل وجود داشته باشد. این رابطه اساساً اجباری به واسطه مجموعه‌ای از روشهای درمانی و اداری که موجب برخی سازگاری‌ها در زندانهاست به وجود می‌آید. اگرچه هر چه در این زمینه تلاش و دقت به عمل آید باز میان اجبار و درمان تعادلی ناپایدا وجود خواهد داشت.

به منظور طبقه‌بندی رفتار زندانیان و ارزیابی اثرات حبس تیپ‌شناسی‌هایی از زندانیان ارایه شده است که بطور معمول در امتداد دو نقطه اصلی: سازگاری- ناسازگاری و فرمانبرداری- نافرمانبرداری قرار می‌گیرند. ولی نظر به اینکه این طبقه‌بندی‌ها اشاره‌ای به روابط اجتماعی موجود در خرده فرهنگ زندانی نمی‌کنند بدین علت برخی از پیچیدگی‌های این وضعیت را نیز در نظر نمی‌گیرند و بدین وسیله تاثیرگذاری احتمالی راهبردهای کنترل‌کننده مختلف را که اعمال شده است محدود می‌سازند. تنها با به رسمیت شناختن و در صورت لزوم با گره خوردن با این قواعد است که می‌تواند به نوعی تعادل دایمی در زندان دست یافت. (ماتیوس راجر، ۱۳۸۱: ۱۷۳)

ما می‌توانیم بطور کامل به شناخت این مساله که تعادل ناپایدار نظم در زندان چگونه بوجود می‌آید نایل شویم. مگر اینکه اطلاعات در مورد قواعدی که کارکنان زندان و روابط میان آنها را سازماندهی می‌کنند داشته باشیم. رابطه میان اعضای مختلف کارکنان زندان خواه حقوق بگیر باشند یا داوطلب متخصص باشند یا نامشخص و خواه مزد بگیران یا مقاطعه کاران بخش خصوصی باشند از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. (همان)

۱-۴-۳- کارکرد حفاظتی

تجمیع بیش از حد زندانیان در یک محیط مستلزم ارائه خدمات متخلفی از قبیل: جای کافی، غذای مناسب، امکانات بهداشتی معمول و تامین کلی منابع است. حال آنکه در زندانهای امروزی باید به امکانات رفاهی جهت اوقات فراغت و نیز امکانات کارگاه به منظور آموزش برخی از مشاغل نیز توجه نمود. چراکه ایجاد چنین خدمات به اصلاح مدیریت گروههای زندانی و حفظ و کنترل آنها کمک شایانی می‌نماید. در حالی که این اصلاحات نشان از خواسته‌های تغییر یافته جامعه است. با این همه انجام آنها به موجب ضوابط مربوط به شایستگی کمتر به سابقه افراد مشروط شده است. ولی امروزه یافته‌ها نشان می‌دهند که در تعدادی از کشورهای مختلف میان سبک زندگی زندانیان شکاف کمتری به چشم می‌خورد.

در واقع متخصصان بطور غالب معتقدند که توجه به آرایه خدمات عادی برای حفظ آرامش در داخل زندان ضروری است و به نظر می‌رسد که در این زمینه مساله غذا یکی از اولویتهای اصلی است.

تمام شیوه‌های محدودسازی به یک شبکه ارتباطی پیچیده متکی است. در اینجا دو نوع مبادله می‌تواند مورد شناسایی قرار گیرد. مبادلاتی که متکی به راههای مالی است. تبادلات اقتصادی و آنهایی که مجموعه‌ای پیچیده و دقیق از تبادل خدمات و اطلاعات و نیز مستمری‌ها و منافع مختلف را در بر می‌گیرند. این خود بیانگر میزان رشد کارکرد حفاظی و پیچیده‌تر شدن آن با گذشت زمان است. (همان)

۲-۴-۲- اهداف عمده حبس

حبس گاه اجرای مجازاتی است که علیه مقصر اجرا می‌شود و گاه به عنوان اقدامی است تامینی بنابراین در زندانها دو دسته بازداشتی وجود دارد متهمان و محکومان و برحسب اینکه زندانی متهم یا محکوم باشد حبس با هدفهای مختلفی پیدا می‌کند و شیوه‌های اجرایی آن نیز تغییر می‌کند. حال ما اهداف و کارکردهای حبس در نظام کیفری را مورد بررسی قرار داده و هر کدام از این اهداف و کارکردها را در چهار دسته برمی‌شماریم:

اهداف حبس همانند نوع آن از روزگار گذشته تا به امروز متغیر و متفاوت بوده است. بطوری که در گذشته گاه جزای حبس به منظور طرد ساختن مجرم از جامعه انجام می‌پذیرفت و محکومین را در قلعه‌هایی که فراموش‌خانه نامیده می‌شدند حبس و نگهداری می‌کردند. ارباب و عبرت آموزی نیز هدف دیگری از حبس بوده است که از کهن‌ترین روزگاران تا به امروز به اشکال متفاوت صورت پذیرفته است.

۲-۴-۲-۱- اهداف عمده حبس در مورد محکومان

اهداف حبس در حقوق ملی و حقوق بین‌المللی در خصوص محکومان اهداف سالب آزادی است که بطور کلی عبارتند از: ۱- وظایف اخلاقی ۲- طرد اجتماعی بزهکار ۳- عبرت‌آموزی و بازدارندگی ۴- ایجاد سازگاری اجتماعی که در ذیل به شرح مختصر هر کدام می‌پردازیم.

۲-۴-۲-۱-۱- وظایف اخلاقی

اجرای مجازات قانونی در حقوق بین‌الملل و نیز در آیین‌نامه‌های داخلی فرایندی است که گذشته از تنبیه خاطی به منظور جلوگیری از خودسری‌های فردی و پیشگیری از انتقام‌های خصوصی به کار می‌رود. چنانکه هوگنی در درس حقوق کیفری خود می‌گوید: مجازات مانند کفاره‌ای است که باید به نیاز عدالت خواهی که در روحیه هر فرد متمدن وجود دارد پاسخ دهد. این نیاز جانشین تشنگی انتقام است که در دورانهای بدوی اساس مجازات بوده است. (ژاک، ۱۳۴۸: ۵)

آنچه مسلم است مجازات بزه گذشته از اصلاح اجتماعی موجب تشفی بزه دیده رفع احساس بی‌عدالتی و پیشگیری از انتقام خصوصی می‌گردد.

۲-۴-۲-۱-۲- طرد اجتماعی بزهکار

یکی از اهداف اصلی حبس یا زندان طرد اجتماعی بزهکار است. کیفرهای سالب آزادی چه از نظر قانونگذار که این مجازاتها را پیش‌بینی می‌کند و از نظر دادرسانی که این مجازاتها را مورد حکم قرار می‌دهند با هدف اساسی طرد بزهکار که اغلب درباره مجازاتهای طولانی مدت صادق است اعمال می‌گردند. در قانون مجازات ایران همواره شاهد حبس‌های طولانی مدت بوده‌ایم

چنانکه در قانون مجازات ۱۳۰۴ حبس دایم با اعمال شاقه و حبس موقت با اعمال شاقه در قانون ۱۳۵۲ حبس دایم و حبس جنایی در قانون ۱۳۶۲، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، ۱۳۹۲ و قوانین خاص نظیر مواد مخدر قوانین تشدید مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی شاهد حبس‌های طولانی مدت بوده‌ایم. (گودرزی ۱۳۸۵: ۵۸)

۲-۴-۲-۳-۱- عبرت آموزی و بازدارندگی

آنچه پیوسته در اجرای حکم حبس در نظر است تنها تنبیه فرد مجرم نیست بلکه تنبیه بزهکار یا مجرم باید کسانی را که وسوسه انجام چنین اعمالی را دارند به تفکر وادارد و عواقب چنین جرایمی را یادآور باشد. به همین دلیل قانونگذار اغلب به هدف بازدارندگی جمعی توجه دارد و در این راستا مجازات‌هایی را پیش‌بینی می‌کند که به لحاظ شدت، سرعت و حتمی بودن اجرا، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند.

گرچه حقوقدانانی چون بولک برنارد به هدف عبرت آموزی و بازدارندگی اجتماعی حبس به دیه تردید می‌نگرند اما این هدف از گذشته دور تاکنون مورد توجه قانونگذاران و مجریان قانون بوده است.

برخی بر این باورند که یکی از اهداف اساسی کیفر ایجاد ترس است. با این وجود نتیجه ای که از این هدف به دست می‌آید این است که رژیم زندان نباید بیش از حد معمول از نظر فرد عادی ملایم باشد. در نتیجه با کیفر حبس باید به وسیله رنجی که در مقصر ایجاد می‌گردد وی با محرمیت از مواهب بیرون از حبس به رفتار نیک تشویق گردد تا دوباره گرفتار چنین کیفری نشود. (بولک، برنارد، ۱۳۷۲: ۲۴)

حال آنکه اعمال پیش از حد رنج و مشقت بر بزهکار و خاطی می‌تواند در پاره‌ای از مواقع باعث خشمناک ساختن خاطی و ضداجتماعی شدن او گردد.

۲-۴-۲-۴-۱- ایجاد سازگاری اجتماعی

هدف عمده کیفر حبس، اصلاح و پذیرش مجدد اجتماعی محکوم علیه دیر زمانی است که اندیشه‌های انسانی را به خود معطوف داشته است و این اندیشه‌ها را در افکار افلاطون و ارسطو در یونان باستان پیابران الهی چون حضرت مسیح (ع) و پیامبر گرامی اسلام بزرگان و پیشوایان دین مبین اسلام چون امام علی (ع) فقها، حقوقدانان و اندیشمندان اسلامی چون غزالی و نیز علمای مذهبی مسیحی چون سن آکوستین و سن تومادکن می‌توان دید. (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱)

سقراط می‌گوید: اما نایبستی به تبهکاران خشونت به خرج دهیم که باید به آنها بیاموزیم که به چه ترتیب از ارتکاب گناه دوری کند زیرا جنایت ثمره نادانی و جهل است و عده زیادی از اشخاص در اثر بدشانسی نتوانستند معرفتی کسب کنند ناچار مرتکب جرم می‌شوند.

افلاطون نوشته: قانونگذار بایستی مجرم را مانند بیماری که محتاج درمان است بنگرد و به او یاد دهد که چطور از ارتکاب به گناه خودداری نماید (دانش، ۱۳۴۸: ۱۳)

به منظور تسهیل سازگاری مجدد زندانیان باید آنان را در طول مدت مجازات و پس از آن مورد حمایت قرار داد. بررسی جرایم اصلاح و درمان زندانیان چه در محیط بسته و چه در محیط باز نشان می‌دهد که امروزه نقش ایجاد باز سازگاری اجتماعی مجرم اهمیت ویژه‌ای دارد.

مدتهاست که سیاست جنایی در صدد است تا با استفاده از مجازات به منظور اصلاح بزهکار از ارتکاب جرایم جدید توسط وی جلوگیری به عمل آورد. تأدیب در زبان روزمره هم به معنای به کردن و هم به معنای شبیه کردن و دوباره تربیت کردن از طریق تنبیه می باشد. حقوق کیفری به بهبودی اجتماعی که مجرم سابق را به پیروی از قواعد ابتدایی زندگی در جامعه سوق می دهد بسنده می کند.

۲-۴-۲-۲- اصلاح زندانها برای نزدیک شدن به اهداف حبس

در طول دهه ۱۸۴۰ ایالت‌های بی‌شماری انجمن‌های اصلاح زندان را تاسیس نمودند. در سال ۱۸۴۴ انجمن زندان نیویورک افتتاح و سال بعد انجمن ماساچوست با کمک محکومان آزاد شده و انجمن پنسیلوانیا برای تسکین مشکلات ناشی از زندانها ایجاد شد. آشکار است که گام‌هایی در جهت مقابله با فساد عمیق و ظلم زندانهای آن زمان برداشته شد.

در همان دوران کنگره اروپایی زندان برای بحث در خصوص فواید نظامهای ابرن از سوی کسانی مطرح شد که صنعت زندان را رقابت تجاری ناعادلانه‌ای قلمداد نمودند. سایرین به تأدیب جسمانی اشاره نمودند که همگان با این نظام بود. اصلاح‌گران به این نتیجه رسیدند که تنها برای رسیدن به نظامی کاملاً آرام با تهدید کیفرهای بدنی شدید همچون شلاق زدن میسر است.

زندانهای پنسیلوانیایی نیز با توجه به اینکه ساخت سلولهای انفرادی، هزینه‌بارترین عمل از نظر ساخت و نگهداری بود مورد حمله واقع شدند. به علاوه فواید کار انفرادی در سلول در مقایسه با نظام متمرکز نیویورک کمرنگ جلوه می‌کرد. زندان ایالتی شرقی مواجه با شیوع بیماری روانی و جنون شده بود. در دهه ۱۸۴۰ بسیاری از تلاشهای پیشین به منظور به وجود آوردن زندانی کارآمدتر با مشکل مواجه شد و این باور در سر تا سر آمریکا به وجود آمد که زندانها می‌بایست خود را با انتظاراتی که از بیش وجود داشته هماهنگ نمایند. اصلاح‌گرانی همچون دورتی دیکس^۲ Dorothea Dix به بازدید از زندانها در دهه ۱۸۴۰ پرداختند و آنها با وضعیت رقت انگیزی روبرو شدند. دیکس تمام تلاش خود را نمود تا به رهبری جنبش اصلاح طلبانه برای به ثمر رساندن حقوق زندانیانی که دچار بیماری روانی شده بودند بپردازند.

بری از آشکارترین نمونه‌های شرایط متباین میان زندانهای ایالتی و مؤسسات محلی در زمینه مجازات بود. در زندانهای ایالتی در ماساچوست و کانکتیکت به ندرت کیفرها بدنی صورت می‌گرفت در حالی که در سال ۱۸۴۳ در زندان سینگ سینگ^۳ نیویورک ۲۶ هزار ضربه شلاق به زندانیان زده شده بود. اگرچه امار نشان می‌دهد که هر چه زندان بزرگتر است کیفرها نیز با خشونت بیشتری هستند اما سرانجام روند آشکاری در کاهش استفاده از کیفرهای بدنی در دهه ۱۸۴۰ آغاز شد (گودرزی، ۱۳۸۶، ۴۶).

بازدید کنندگان اروپایی زندانهای آمریکا از جمله چارلز دیکنز و الکسی دو توک ویل^۴ فیه وقار و آرامشی که در بیشتر زندانها وجود داشت اشاره نمودند. اگرچه در صورتی که همین بازدید کنندگان در چند دهه بعد به بازدید زندانها می‌پرداختند آنها با صداهای ناهنجاری مواجه می‌شدند که از سلولهای پرجمعیتی شنیده می‌شد.

از دهه ۱۸۲۰ تا ۱۸۵۰ کیفرهای بدنی و انضباط سختگیرانه‌ای در زندانها حکمفرما بود. علاوه بر این تمایل قانونگذار به فراهم آوردن سرمایه برای ساختن زندانهای بیشتر در نقاطی که نیاز به سلول بیشتری بود به جهت مشکل جمعیت زیاد در زندان برای دهه‌ها مطرح بود. یکی دیگر از مشخصات بارز زندانها پیش از جنگ داخلی اجباری شدن کار روزانه برای زندانیان بود.

² Charles Dickens

³ Sing Sing

⁴ Alexis de Tocqueville

برنامه روزانه زندان، زندانیان را ملزم می نمود تا از ۸ تا ۱۰ ساعت هر روز با تهدید کیفرهای بدنی بکار بپردازند. به منظور آشکار شدن انضباط و همچنین رضایتمندی از سود مالی زندانیانی که پول و بهره‌ای نصیب آنان می‌شد مورد تمجید عموم قرار می‌گرفتند. از این رو نظام ابرن با پرداخت درآمدی بیشتر از نظام پنسیلوانیایی رشد بیشتری یافت.

در دهه ۱۸۴۰ اصلاح‌گام زندان امریکا از انضباط نظامی برای گسترش تشکیلات به وجود آمده استفاده نمودند. زندانهای نیویورک برنامه‌های روزانه همچون رژیم زندانیان را آغاز نمودند که زندانیان ملزم بودند در فاصله کم و یک ردیف واحد با هماهنگی حرکت کنند سر خود را به سمت راست متمایل می‌کردند در حالیکه هر فرد به شانه فرد جلویی خود می‌نگریست. به این ترتیب نگهبانان مطمئن می‌شدند که با یکدیگر حرف نمی‌زنند و از انجام دستور طفره نمی‌روند. همچنین گسترش تاکید بر تشکیلات با به کارگیری لباس متحدالشکل راه را برای زندانیان جلوه‌ای دیگر یافت. از جمله انشعابات این ابداع اتخاذ لباس‌های متحدالشکل زندان برای نگهبانان زندان بود. این عملکرد گام مهمی در جهت طراحی زندانها نبود زیرا آنها همانند استحکامات نظامی قرون وسطی در جهت طراحی زندانها نبود زیرا آنها همانند استحکامات نظامی قرون وسطی به ترویج امنیت و جداسازی می پرداختند در حالیکه تلاش می نمودند تا زندانیان احساس حقارت نمایند.

۳-۴-۲- اهداف انتقال محکومین به حبس

در مورد انتقال محکومین به حبس، کشور صادرکننده حکم از حق خود در اجرای مجازات صرفنظر کرده، حق اجرای مجازات را به کشور متبوع محکومعلیه می‌دهد و این عمل به دلیل فوایدی است که اجرای مجازات حبس در کشور محکومعلیه دارد و نیز به دلیل آثار نامطلوب اجرای مجازات حبس علیه اتباع بیگانه است. به‌رحال انتقال فرد محکوم به حبس، به کشور متبوع، تحقق اهداف و نتایج انسانی، کیفرشناختی، اقتصادی و... را می‌تواند به دنبال داشته باشد (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۷).

با توجه به این فواید، در مقدمه کنوانسیون استراسبورگ به موارد ذیل به طور ضمنی به عنوان اهداف کنوانسیون اشاره شده است؛ توسعه همکاریهای بین‌المللی در حقوق جزا، همکاری بیشتر در جهت اجرای عدالت، بازاجتماعی کردن محکومین به حبس که این هدف با انتقال زندانیان خارجی به کشور خودشان بهتر تأمین می‌شود (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۶). اما اهداف اصلی را که از مذاقه در متن این موافقت‌نامه‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توان دریافت، عبارت اند از:

۳-۴-۲-۱- اصلاح محکوم

از آنجا که یکی از اهداف مجازات‌ها اصلاح و تربیت مجرم است و از طرفی نیز اصلاح این افراد برای کشور متبوعشان (نسبت به کشور خارجی) سودمندی بیشتری در پی دارد و همین طور اصلاح این افراد در دامن کشور خود بهتر و آسانتر صورت می‌پذیرد، لذا با انتقال این افراد به کشورشان به اهداف ح اکم بر مجازات‌ها نزدیک تر می‌شویم و بازگشت آنها به اجتماع و جامعه‌پذیری نیز در کشور متبوع شان به واقعیت نزدیک‌تر است (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷).

۳-۴-۲-۲- احترام به حقوق بشر و در نظر داشتن موازین حقوق انسانی

بدیهی است رعایت بهتر موازین حقوق بشری عنوانی کلی است که موارد جزئی‌تری را نیز در بطن خود دارد، از جمله اینکه به اجرای بهتر عدالت کیفری و اجرای دقیق‌تر اصل شخصی بودن مجازات‌ها کمک می‌کند. فرض کنید خانواده محکومی ایرانی که در کشور تایلند یا مالزی زندانی است، بخواهند که به ملاقات او بروند. اولاً چند ماه یکبار این فرصت برای آنها فراهم می‌شود. ثانیاً چه سختی‌هایی که در این راه برای آنها وجود خواهد داشت. در واقع، در این مواقع، اثر مجازات بیش از خود محکوم،

خانواده او را متأثر خواهد کرد که با انتقال محکومین به حبس، این توالی فاسد از بین می‌رود (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۸). فلذا ذیل این هدف، تمامی مواردی که متضمن رعایت موازین حقوق بشری و حقوق انسانی نسبت به خود محکوم، خانواده و اطرافیانش می‌باشد، بایستی در نظر گرفته شود.

۳-۴-۲-۳- صرفه‌جویی در منابع مالی

بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای مسئول حدود ۳ هزار ایرانی در زندانهای کشورهای مختلف جهان در بند هستند و تعداد زندانیان خارجی با احتساب افغانها در زندانهای ایران حدود ۶ هزار نفر است که بیشتر به دلیل جرایم مواد مخدر و قاچاق محکوم و مح بوس شده‌اند. ضمن اینکه طبق آمارهای آن زمان تعدادی حدود ۱۲-۱۰ نفر از اتباع ایرانی در زندانهای این کشور محبوس بوده‌اند. اگر آمار زندانیان افغانه را به دلیل وجود مشکلات حاکم بر آن کشور استثناء کنیم، در مجموع ۷۴۴ نفر از اتباع خارجی در کشورمان محبوس بوده‌اند. اما تعداد ۳۸۱۸ نفر از ایرانیان نیز در خارج از کشور تحمل کیفر می‌کنند که مشاهده می‌شود تعداد زندانیان ایرانی محبوس در خارج از کشور تقریباً ۴ برابر زندانیان اتباع سایر کشورها در ایران است (رئیس‌الساداتی، ۱۳۸۲: ۳۸).

فلذا با عنایت به آمارهای موجود، مشاهده می‌گردد که مهاجرت به دلیل اشتغال، درآمد بیشتر و... باعث بروز مشکلات متعددی برای اتباع ایران گردیده است و عده‌ای به دلیل عدم دستیابی به موفقیت‌های مورد نظرشان در این کشور ها، به اقدامات خلاف قانونی در خصوص سرقت، جرایم مواد مخدر و... روی آورده اند. طبق گفته مسئولان قضایی سازمان زندانها در سال ۱۳۸۸، بیشترین اتباع خارجی زندانی در کشور ما، اتباع افغان بوده اند که اکثر قریب‌به‌اتفاق آنها به صورت غیرمجاز وارد کشور شده و اقامت غیرمجاز دارند. در این سال حدود ۳/۲ درصد زندانیان ما را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند که اتباع کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق در رأس قرار دارند که البته تعداد زندانیان پاکستانی و عراقی بسیار کمتر از افغانه است. طبق گفته این مسئولان در سال ۱۳۸۸ بیشتر از ۴۰۰۰۰ افغانستانی و بیش از ۱۰۰ تبعه عراق و پاکستانی در ایران محبوس بوده‌اند که قاچاق و حمل مواد مخدر، عمده جرایم ارتكابی اتباع کشورهای افغانستان و پاکستان و اقدام علیه امنیت ملی، اقامت و عبورومرور غیرمجاز، جرایم علیه اشخاص و ج اسوسی از جرایم ارتكابی سایر زندان یان خارجی است. (قربانپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶) از سویی دیگر مطابق آمارهای ارائه‌گردیده در سال ۱۳۹۶ دولت برای تأمین امنیت، آب، برق، گاز، خوراک، پوشاک، بهداشت و... هر زندانی، روزانه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال هزینه می‌کند که در ماه بالغ بر ۴۵ میلیون ریال است و سالانه مبلغی در حدود ۵۳ میلیون تومان هزینه نموده است. با این اوصاف همان گونه که به وضوح مشخص می‌گردد، نگهداری محکومین در کشورهای دیگر جهت سپری نمودن محکومیت حبس خود، اقدامی پرهزینه و بدون سودمندی (به‌جهت اینکه تبعه آن کشور نبوده و اجرای مجازات برای آنان سودمندی نخواهد داشت) برای این کشورها است. فلذا از منظر محاسبات و تحلیل‌های اقتصادی، بسیار سودمند است که کشورها پس از صدور حکم محکومیت عاملان بروز جرم و ناامنی در جوامع خود، آنها را جهت سپری نمودن دوران محکومیت به کشور متبوع شان تحویل دهند.

۳-۱- ضوابط انتقال محکومین به حبس

تعیین شرایط انتقال محکومین به حبس و احکام و مقررات آن، موضوعی قراردادی است که به اراده و توافق طرفین قرارداد بستگی دارد و معمولاً دولت‌ها با توجه به منافع، نیازها و مقتضیات سیاسی، اجتماعی و حقوقی خود این شرایط را تعیین

می‌کنند و الزاما در تمامی قراردادهای، شرایط و احکام و مقررات مربوط، یکسان و یکنواخت نیست. البته در کنوانسیون استراسبورگ، به دلیل چندجانبه بودن، مقررات آن برای تمامی دولت‌های عضو لازم‌الاجرا است، مگر اینکه کشوری از کنوانسیون خارج گردد که در این صورت به استناد ماده ۲۳ کنوانسیون، این کناره‌گیری سه ماه بعد از تاریخ وصول کتبی به دبیر کل شورای اروپا مؤثر خواهد بود. در بند ۳ ماده ۱ این کنوانسیون، شش شرط برای انتقال ذکر شده است. جهت شفافسازی موضوع، در ذیل به‌نحو مختصر، طی دو قسمت در خصوص هر یک از این شرایط شش‌گانه ماهوی و همچنین شرایط و تشریفات شکلی این امر توضیحاتی ارائه می‌گردد.

۳-۱-۱- شرایط ماهوی

اولین شرط مذکور در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون استراسبورگ، واجد عنوان مجرمانه بودن عمل مرتکب در هر دو کشور صادرکننده و اجراکننده حکم است. بر این اساس، کشوری که محکومعلیه به آنجا جهت سپری نمودن بقیه مدت محکومیت حبس خود منتقل می‌شود، بایستی عمل منجر به محکومیت را به‌موجب قوانین خود جرم شناخته باشد. شرط «مجرمیت مضاعف یا متقابل» باید رعایت گردد، فلذا برای تحقق این شرط کافی است که عمل مرتکب در هر دو کشور جرم و قابل مجازات باشد و لازم نیست که عنوان مجرمانه واحدی هم برای عمل مزبور در قوانین دو کشور وجود داشته باشد. پس اگر عمل مرتکب در یکی از دو کشور خیانت در امانت و در کشور دیگر تصرف غیر قانونی در اموال عمومی تلقی شود، شرط مورد بحث تحقق یافته است (خالقی، ۱۳۸۳: ۱۹).

همچنین با عنایت به اینکه مقصود از انتقال محکومعلیه به کشور متبوعاش، اجرای مجازات وی می‌باشد، فلذا مقدمه و پیش‌فرض ضروری این امر، قطعیت حکم محکومیت متهم در کشور صادرکننده و شروع به اجرای آن نمودن است. از سویی دیگر با عنایت به اینکه انتقال محکومعلیه از کشوری به کشور متبوعاش، متضمن هزینه‌های بسیاری برای طرفین است، فلذا بایستی مجازات حبس وی نیز کوتاه مدت نباشد. بر این اساس است که بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون استراسبورگ، در بیان شرایط ماهوی انتقال، ب‌اقی ماندن حداقل ۶ ماه از محکومیت به حبس فرد محکوم را مقرر نموده است. فلسفه این مقرر این است که در محکومیت به مجازات حبس کوتاه‌مدت، با توجه به هزینه‌های بالا و از طرفی غیرمهم بودن محکومیت با توجه به مدت کوتاه حکم به مجازات حبس صادره، انتقال محکومعلیه از کشوری به کشور دیگر از لحاظ عقلایی و ملاحظات اقتصادی به‌صرفه به نظر نمی‌رسد. یکی از شرایط مهم دیگر انتقال محکومین به حبس آن است که محکوم دارای تابعیت کشور اجراکننده باشد. در غیر این صورت انتقال محکومین به حبس صورت نخواهد گرفت. حتی اگر متهم، خود هم، چنین تقاضایی داشته باشد، به آن توجهی نخواهد شد. به عبارت دیگر، محکوم صرفاً به کشور متبوع خود قابل انتقال است و لاغیر. با عنایت به سوءاستفاده‌ها و غرضورزی‌هایی که ممکن است نسبت به انتقال محکومان به کشورهای دیگر صورت پذیرد و جهت حفظ حقوق محکومان، این شرط بسیار مهم و کاربردی به نظر می‌رسد. همچنین بایستی برای انتقال افراد محکوم به حبس این افراد باید از کشوری که در آن به حبس محکوم شده‌اند درخواست انتقال دهند و یا اینکه با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی و روانی آنها، اقارب یا نماینده قانونی آنها، خواستار انتقالشان باشند و از کشور صادرکننده حکم درخواست انتقال او را کنند. منظور از اقارب در اینجا اشخاصی هستند که طبق قوانین داخلی یکی از طرفین، با شخص محکوم، قرابت (اعم از نسبی یا سببی) داشته باشند (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱). البته نکته‌ای که در خصوص این شرط به نظر می‌رسد این است که ممکن است در مواردی، فرد محکوم به دلایل متعددی (از قبیل ارتکاب جرایم دیگری در کشور متبوع اش یا...) رضایت به انتقال به کشور متبوعاش را

نداشته باشد ولیکن کشور متبوع، به دلیل ملاحظات امنیتی یا قضایی یا... خواستار انتقال وی به کشورش باشند. به نظر می‌رسد در این موارد، انتقال فرد محکوم از طریق مکانیسم انتقال محکومان به حبس صورت نمی‌پذیرد و می‌توان از طریق مکانیسم‌های دیگری از جمله استرداد مجرمین یا غیره (با توجه به شرایط و وضعیت موردی پرونده) عمل انتقال فرد به کشور متبوعاش را انجام داد.

همچنین با عنایت به اینکه ضرر و زیان ناشی از جرم، از حقوق مسلم بزه‌دیده می‌باشد و بایستی تأمین یا پرداخت گردد، فلذا عدم پرداخت یا تأمین این خسارات و انتقال محکومعلیه به کشوری دیگر، خلاف موازین انصاف و عدالت می‌باشد. در این راستا و با توجه به اهمیت این موضع است که بند ۶ ماده ۵ معاهده بین ایران و اوکراین و بند ۱-۶ ماده ۳ قانون موافقت‌نامه بین ایران و آذربایجان این شرط را این‌گونه تبیین نموده‌اند.

آخرین شرط مذکور در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون استراسبورگ، موافقت دولت‌های صادرکننده و اجراکننده مجازات با انتقال محکوم به مجازات حبس است. به نظر می‌رسد فلسفه وجودی این شرط ملاحظات خاص ناظر بر موضوع باشد. از جمله اینکه مثلاً کشور صادرکننده، احتمال قوی بدهد که دول اجراکننده با این انتقال، قصد رها کردن محکوم از تحمل مجازات قانونی را دارد یا اینکه مثلاً کشور اجراکننده، حضور مجرم را بنا به جهاتی مخالف ملاحظات امنیتی خود بداند. به‌هرحال این بند صرفاً ناظر بر این ملاحظات خاص بوده، دست دولت‌ها را برای در نظر گرفتن این ملاحظات باز می‌گذارد (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳).

بر این اساس است که بند ۷ ماده ۴ قانون معاهده انتقال محکومان بین ایران و اوکراین و نیز بند ۱-۷ ماده ۳ قانون موافقت‌نامه محکومین به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان، بدین نحو به لزوم این شرط تصریح کرده‌اند: «دولت‌های صادرکننده و اجراکننده با انتقال محکوم موافق کرده باشند.»

۳-۱-۲- تشریفات و شرایط شکلی

اصولاً انتقال محکومان به حبس، مستلزم توافق دو دولت طرف قرارداد در هر مورد خاص است و وجود موافقت‌نامه انتقال، آنها را ملزم به قبول انتقال در همه شرایط نمی‌سازد. بنابراین مهم کن است دولت صادرکننده حکم به دلیل بیم احتمال برخورداری محکومعلیه از مساعده‌های غیرقابل توجیه در کشور خود از انتقال وی خودداری نماید و یا دولت اجراکننده حکم به دلیل ملاحظات مربوط به نحوه اداره زندان و طبقه‌بندی محکومان تمایل ی به این انتقال نداشته باشد. درخواست کتبی انتقال ممکن است توسط هر یک از طرفین به طرف دیگر ارائه گردد و محدودیتی از نظر لزوم تقاضای یکی از آنها بر دیگری وجود ندارد. به ضمیمه این درخواست باید مدارک لازم جهت اثبات شرایط ماهوی انتقال محکومعلیه که قبلاً به آنها اشاره شد، نیز ارسال گردد (خالقی، ۱۳۸۳: ۲۱). درخواست‌های همکاری قضایی لزوماً می‌بایست مطابق دستورالعمل صادره از سوی ریاست محترم قوه قضائیه به شماره ۹۰۰/۱۳۱۸۰/۱۰۰ مورخ ۹۲/۳/۱۲ تنظیم شود. دستورالعمل مزبور در ۱۷ ماده و دو تبصره تنظیم و به کلیه دادگستری‌های کل استانها ابلاغ شده است که جهت جلوگیری از اطاله کلام، خوانندگان محترم را به مطالعه این دستورالعمل توصیه می‌نماییم.

۳-۲- خلأها و راهکارهای توسعه نهاد «انتقال محکومین به حبس»

انتقال محکومین جهت تحمل مجازات حبس از کشوری به کشور دیگر، علی‌رغم دارا بودن مزیت‌های فراوان، دارای خلأها و موانعی نیز می‌باشند که در این قسمت بدانها پرداخته خواهد شد.

۳-۲-۱- موانع و خلأهای انتقال محکومین به حبس

با بررسی تمامی موانع و مشکلات فراروی انتقال محکومین به حبس در کشورمان، به طور کلی می‌توان این خلأها و مشکلات را در حوزه تقنینی و اجرایی ریشه‌یابی کرد که در این قسمت و در دو بخش مجزا مورد بررسی و تبیین قرار خواهند گرفت.

۳-۲-۱-۱- خلأهای تقنینی

همان گونه که گفته شد، انجام همکاریهای قضایی بین‌المللی بین کشور ما و سایر کشورها، به‌طور معمول بر مبنای معاهدات چ ندجانبه بین‌المللی، معاهدات دوجانبه و یا عمل متقابل صورت می‌گیرد. در مواردی که معاهدات دو یا چندجانبه بین‌المللی وجود ندارد و یا با سکوت، ابهام و نقص مواجه است، رفتار متقابل اعم از قضایی، سیاسی یا تقنینی راهکار انجام همکاریهای قضایی بین‌المللی است. بهترین راه برای انجام رفتار متقابل، داشتن قوانین و مقررات داخلی است که محدوده همکاریهای قضایی بین‌المللی، شرایط و ترتیبات اجرا و اختیارات و تکالیف نهادهای ذیربط را مشخص سازد که در این راستا در قوانین و مقررات کشورمان، «قانون تعاون قضایی مصوب ۱۳۰۹» در قالب یک ماده‌واحد، «قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۴ / ۲ / ۱۳۳۹» در قالب ۲۶ ماده و «قانون راجع به تعقیب جزایی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران» مصوب ۱۳۱۳/۵/۱۷ در قالب ۲ ماده به تصویب رسیده است. با توجه به نسبتاً قدیمی بودن قوانین مدونه در خصوص انتقال محکومین در کشور و پاسخ‌گو نبودن به مقتضیات روز انتقال محکومین به حبس از کشوری به کشور ما یا بالعکس، نیاز به تدوین قوانین جدید یا اصلاح قوانین و مقررات سنتی داخلی، هم‌سو با پدیدههای نوظهور بین‌المللی بسیار ملموس است. در کنار مشکلات و خلأهای تقنینی، موانع اجرایی انتقال محکومین به حبس، بسیار پررنگ تر و بارزتر است، که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۳-۲-۱-۲- خلأهای اجرایی

اگرچه گسترش موافقت‌نامه‌های انتقال به طور واضح برای برخی یا حتی بیشتر زندانیان خارجی مفید می‌باشد، اما با وجود این چنین موافقت‌نامه‌هایی به تنهایی نمی‌تواند همه مسائل و مشکلات مربوطه را حل نماید. همیشه به دلایل مختلف قانونی و... یک دوره زمانی قبل از اینکه شخص بتواند منتقل شود، وجود دارد و علاوه بر آن تعداد معینی از زندانیان خارجی مایل به انتقال نیستند. توافق انتقال نیز میان دو کشور در هم ه موارد صورت نمی‌گیرد و سرانجام اینکه شمار نسبتاً کمی از کشورها هم‌اکنون موظف به انتقال محکومان به حبس از طریق موافقت‌نامه‌ها و معاهدات هستند. بنابراین اگرچه انتقال محکومان به مجازات حبس، یک ابزار بسیار مطلوب می‌باشد، اما یک راه حل عمومی و جامع نمی‌باشد. به دلیل آنکه شمار زیادی از مجرمان خارجی به طور غیرقابل اجتنابی بر عملکرد نظام عدالت کیفری و مؤسسات اصلاح و تربیت، تأثیر می‌گذارند، تلاشهایی باید صورت پذیرد که اوضاع و شرایط زندانهای را که مجرمان خارجی در آنها محبوس هستند و نیز رفتار با زندانیان را بهبود بخشیده و تعدیل و اصلاح نماید. اقدامات قانونی و عملی باید اتخاذ گردد در جهت ایجاد یک سیستم زندان که در آن خصوصیات زبانی، فرهنگی و دیگر خصوصیات مجرمین خارجی کاملاً به رسمیت شناخته شود و ابزارهای مختلف برای بازاجتماعی کردن این گروه از مجرمان مورد استفاده قرار گیرد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

علاوه بر این بخشی از موانع انتقال محکومان در ایران مربوط به رایزنی‌های دیپلماسی است و بخشی دیگر به این موضوع برمی‌گردد که چون اتباع زندانی ما در کشورهایی که اتباع زندانی در ایران دارند، بسیار کم است، مسئولان آن کشورها

انگیزه‌های برای انتقال محکومان به حبس ندارند. به طور مثال اگر بخواهیم این موافقت‌نامه را با کشور افغانستان امضا کنیم، چون تعداد اتباع زندانی ما در این کشور اندک است، باید کمتر از ۵ نفر را تحویل بگیریم و در مقابل ۴۰۰۰ نفر را تحویل بدهیم (عباس نژاد لکی، ۱۳۹۰: ۳۹).

اما در مقایسه با مزایا و آثار مثبت انتقال محکومین، این خلأها و نواقص با هماهنگی‌ها و قانونگذاری‌های دقیق تر قابل حل به نظر می‌رسد.

۱-۴- نتیجه گیری

انتقال محکومین به حبس، یکی از ابزارهای معاضدت بین‌المللی در امور کیفری است که از دیرباز به‌موجب قراردادهای دو یا چندجانبه در روابط میان کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفته است. به عبارت دیگر انتقال محکومین به حبس، فرآیندی است که مستلزم تعاون قضایی بین‌المللی بوده و اجرای موفق آن می‌تواند ضامن عدالت قضایی و حمایت هر چه بیشتر کشورها از اتباع خود باشد. فلذا به منظور رفع مشکلات و موانع موجود در راه انتقال محکومین به حبس، ضروری است ناهماهنگی‌ها و موانع مربوطه شناسایی و مجموع عواملی که موجب شده که انتقال محکومان در کشورمان محجور بماند یا به سختی انجام گردد، مشخص و راهکارهای رفع این مشکلات مشخص شود.

مطابق با مفاد کنوانسیون استراسبورگ مصوب ۱۹۸۳ و همچنین قانون نمونه سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۵ در خصوص انتقال محکومان به حبس، شرایطی در این خصوص تبیین گردیده است که در موافقت‌نامه‌های بین ایران و سایر کشورها از جمله آذربایجان، اوکراین و... نیز این شرایط را می‌توان دید. از جمله این شرایط می‌توان به واجد عنوان مجرمانه بودن عمل مرتکب در هر دو کشور صادرکننده و اجراکننده حکم، قطعیت حکم محکومیت در کشور صادرکننده، باقی ماندن حداقل شش ماه از مدت مجازات، لزوم دارا بودن تابعیت کشور اجراکننده رأی برای محکوم، موافقت محکومعلیه با انتقال خود، تأمین یا پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم و موافقت دولت‌های صادرکننده و اجراکننده مجازات با انتقال محکوم اشاره کرد.

همان گونه که در مبحث مربوط به تاریخچه انتقال محکومان به حبس بیان گردید، در ایران تلاش‌های خوبی به خصوص در سالهای اخیر در زمینه انتقال محکومان صورت گرفته است و با بسیاری از کشورهایی که در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند، موافقت‌نامه‌های همکاری منعقد شده و به مرحله اجرا درآمده است و یا اینکه در آینده نزدیک لازمالاجرا می‌گردند. اما با این حال در مورد برخی دیگر از کشورها از قبیل امارات متحده عربی، بحرین، پاکستان، ژاپن و... اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است. از مشکلات فراروی نهاد انتقال محکومین به حبس، می‌توان به روز نبودن قوانین و مقررات موجود، خلأهای تقنینی، عدم هماهنگی بین نهادها و کشورهای مختلف و در نهایت مشکلات و موانع اجرایی اشاره نمود.

با وجود چالش‌های نظری و عملی، همواره موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از طرف کشورها تصویب و بر آمار آنها افزوده می‌شود. تعارض و نقض قوانین سرزمینی و حاکمیتی توسط این موافقت‌نامه‌ها از یک سو و بی توجهی کشورها به این تعارضات و نیاز آنها به گسترش هر چه بیشتر این توافقات در جهت ایجاد معاضدت و همکاری بین‌المللی از سوی دیگر، کشورها را بر آن می‌دارد تا به دنبال توجیهی منطقی برای این گونه اقدامات باشند. اگر فلسفه وجودی این موافقت‌نامه‌ها حتی در مرحله اجرا، جهانی شدن حقوق کیفری باشد و ارتکاب جرایم مخل نظم جامعه جهانی و بازگردانی آن نیازمند همکاری بین‌المللی باشد؛ در این صورت اگرچه می‌توان اجرای حکم صادره از کشوری در کشور دیگر را توجیه نمود اما تغییر و تبدیل حکم صادره از سوی مرجعی غیر از مرجع صادرکننده با این فلسفه توجیه پذیر نیست. چراکه بر اساس قوانین، حتی مراجع داخلی یک کشور نیز

نمی‌توانند به این شیوه عمل نمایند. به علاوه اجرای حکم نسبت به محکومین در شرایط مشابه، ولی به شیوه متفاوت، خلاف دادرسی عادلانه است؛ بنابراین یا باید به دنبال فلسفه دیگری برای انعقاد این توافقات بود یا با دیده اغماض به این اقدام نگریست. اگر تبصره ۳ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری تعمیم داده و در مورد اتباع بیگانه نیز به کار گرفته شود؛ می‌توان از نهاد نیابت قضایی در اجرای احکام استفاده نمود و کشور اجراکننده را به عنوان نایب قاضی اجرای احکام در نظر گرفت. در این توجیه نیز باز هم اختلاف در قوانین وجود دارد زیرا در کشور ایران قاضی اجرا احکام اختیاری برای تبدیل و تغییر مجازات ندارد و اگر هم اختیاری باشد در حد محدود نظیر صدور قرار موقوفی و قرار تأمین کیفری است اما در قانون فرانسه برای قاضی اجرا احکام اختیار تبدیل و تغییر مجازات حبس پیش بینی شده است. باوجوداین به نظر می‌رسد بهترین توجیه برای چنین اقدامی نیابت قضایی باشد. البته شاید بتوان چنین امری را مانند قراردادهای الحاقی و یک طرفه، یک عمل حاکمیتی تلقی کرد که تمامی اشخاص و قوانین را علی‌رغم ایجاد نابرابری و تضییع حقوق در برخی از مواقع، مطیع خود ساخته و به گونه‌ای بر سایر قوانین معارض اشراف دارد و حقوق خصوصی را فدای حقوق و آسایش عمومی می‌کند. البته راه حلی که جهت پیشگیری از چالش‌ها طرح شده پیشنهاد می‌شود امتناع از تصویب موافقت‌نامه‌هایی است که کشور اجراکننده را مستحق تغییر احکام صادره می‌دانند و یا اگر نظر بر اعطای چنین حقی برای کشور اجراکننده است، طی فرایند انتقال از وجود مقامات قضایی آگاه به قوانین محل وقوع جرم (صادرکننده حکم) و محل اجرای حکم جهت تأکید بر اجرای درست مجازات باتوجه به تغییر شرایط و حفظ اهداف کیفری استفاده شود.

۲-۴- پیشنهادات:

با عنایت به مطالب پیش گفته در این پژوهش، پیشنهادات ذیل جهت ارتقای هر چه بیشتر این نهاد و رفع خلأهای موجود، ضروری به نظر می‌رسد:

نتیجه این بررسی به گونه‌ایست که تصویب قانون خاص (ضرورت‌سنجی تصویب قانون انتقال محکومین به حبس) در این زمینه را خالی از فایده نمی‌داند، چراکه می‌تواند در روند انتقال محکومین و آیین دادرسی آنها کمک کننده باشد. باین حال و با توجه به موانع جدی بر سر راه این قانون‌گذاری، کم‌ترین اقدام می‌تواند ایجاد یک سند نمونه از سوی کشور باشد تا پیش از ورود به صحنه ایجاد حق و تکلیف در عرصه معاهدات، خط‌مشی‌های مورد نیاز خود را در نظر داشته باشد.

• انجام تحقیقات و مطالعات بیشتر در خصوص موضوع پژوهش حاضر با بررسی‌های تطبیقی با کشورهای که در این زمینه موفقیت داشته‌اند.

• تدوین لایحه‌ای جامع در خصوص انواع همکاری‌های بین‌المللی قضایی و به ویژه انتقال محکومین به حبس.

• لزوم ایجاد یک نهاد نظارتی جهت بررسی عملکرد نهادهای ذیربط در امر انتقال محکومین به مجازات حبس و شناسایی خلأهای موجود در این زمینه.

• عضویت در کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری هر چه بیشتر کشورمان در همکاری‌های قضایی بین‌المللی جهت حمایت هر چه بیشتر از حقوق تبعه خود.

• ایجاد یک شعبه ویژه در خصوص امور بین‌الملل (اموری از قبیل انتقال محکومان، استرداد مجرمان و...) در قوه قضائیه جهت ایجاد روبه واحد قضایی.

منابع

۱. آخوندی، محمود، ۱۳۶۹، آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات سازمان چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازاتهای بینابین، چاپ اول، نشر گرایش، تهران.
۳. آنسل، مارک. ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه م. آشوری، ع. حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
۴. بازگشت سعادت‌مندان، ۱۳۸۱، گزارشی از مراحل مختلف اجرای طرح روان درمانی در زندانهای کشور، تهران، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، انتشارات راه تربیت.
۵. برنار بولک، ۱۳۸۵، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی چاپ ششم، انتشارات مجد، تهران.
۶. بکاریا، سزار، ۱۳۷۷، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، نشر میزان.
۷. بولک، برنار. ۱۳۷۲، کیفرشناسی، ترجمه ع. ح، نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ نخست
۸. بوشهری، جعفر، ۱۳۹۳، حقوق جزا (زندان)، چاپ اول، ناشر شرکت سهامی انتشار.
۹. پراول، ژان، ۱۳۷۱، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه ع. ح، نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهیدبهبشتی با همکاری مؤسسه نشر یلدا.
۱۰. پل کره، ژ. ۱۳۸۴، دورنمای اروپایی زندان، ترجمه گودرزی بروجردی، م. ر، مقدادی، لیلا، تهران انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۱. توشه، ا.، ۱۳۸۲، زنان در بند، روزنامه ایران، سال نهم، شماره ۲۶۴۹.
۱۲. تدوینگر، پوره‌اشمی، سید عباس، ۱۳۸۳، زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی، معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، تهران.
۱۳. جعفری، ل.، ۱۳۸۴، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم.
۱۴. جعفری لنگرودی، مجمد جعفر، ۱۳۷۲، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۱۵. خلاصه مقالات دومین همایش سراسری علمی، ۱۳۷۸، تخصصی "زندان، مجازات یا اصلاح"، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مقاله آقای حبیب زاده شریف، رضا، مدیر گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه
۱۶. دامغانی، م، ۱۳۶۲، صد سال پیش از این، مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، انتشارات شبگیر، چاپ نخست
۱۷. دانش، تاج زمان، ۱۳۷۶، حقوق زندانیان و علم زندانها، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. دانش، تاج زمان، ۱۳۷۴، مجرم کیست، جرم شناسی چیست؟ چاپ ششم، انتشارات موسسه کیهان.
۱۹. دانش، تاج زمان، ۱۳۵۵، کیفر شناسی و حقوق زندانیان، تهران.
۲۰. دانش، تاج زمان، ۱۳۷۰، اصول علم زندانها، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی و مدیریت و بهداشت روان و اصلاح رفتار زندانیان کشور، ۱۳۸۱، بازگشت سعادت‌مندان، انتشارات راه تربیت
۲۲. درفشه، ص، ۱۳۷۹، تحقیقی پیرامون زندان و پیامدهای آن، آرشیو مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندانها.
۲۳. راجر ماتیوس، پیتیر فرانسیس، ۱۳۸۱، زندانها در هزاره سوم ترجمه لیلا اکبری، انتشارات راه تربیت، چاپ اول.

۲۴. راوندی مرتضی، ۱۳۸۶، سیر قانون و دادگستری در ایران به نقل از جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تالیف دکتر محمد آشوری، نشر چشمه و کتاب سرای بابل.
۲۵. راهرو خواجه، احمد، ۱۳۸۴، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رود هن.
۲۶. رهامی، محسن، ۱۳۸۱، اقدامات تأمینی و تربیتی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.